

شهرزاد

فصلنامه مجازی

شماره چهارم - جمعه ۳۰ تیر ۱۳۹۶



مهدی سلطانی: کیفیت «شهرزاد» از برخی فیلم‌های سینمایی بالاتر است

آتنه فقیه نصیری؛ گزیده کاری در سه دهه بازیگری بی حاشیه

مخاطب خاص: فیلمنامه نویسان

محسن چاوشی یک چریک است

هفته‌نامه مجازی شهرزاد

زیر نظر مسعود نجفی (مدیر روابط عمومی سریال شهرزاد)

سردبیر: سید محمد صادق لواسانی
تحریریه: سپیده حیدرآبادی، شراره داودی، کبریا حسین‌زاده
بسیاس از مسعود رفیع‌زاده، عرفان بهکار، محسن معتمدکیا
سهیلا صدیقی، میثم محمدی و رضا اسدزاده

طراح گرافیک: علی شکوری
عکس جلد: محمد اسماعیلی
عکس‌های داخلی: نوشین جعفری

شهرزاد در فضای مجازی:

سایت رسمی: www.shahrzadseries.com

تماشای آنلاین و قانونی: www.lotusplay.ir

اینستاگرام: [instagram.com/shahrzadseries](https://www.instagram.com/shahrzadseries)

کانال تلگرام: <http://telegram.me/shahrzadseason2>

هفته‌نامه مجازی شهرزاد را هر جمعه از کانال تلگرامی و سایت سریال دریافت کنید.

درج مطالب با ذکر منبع بلامانع است.

نظرات خود را به آدرس تلگرامی [@ShahrzadContact](https://t.me/ShahrzadContact) ارسال کنید

با عوامل شهرزاد در ارتباط باشید

هر شماره یکی از عوامل سریال شهرزاد پاسخگوی مخاطبان خواهد بود.

سوالات خود را به آدرس تلگرامی [http://t.me/shahrzadcontact](https://t.me/shahrzadcontact) ارسال کنید و در شماره‌های بعد پاسخ خود را در مجله بخوانید (روی همین لینک کلیک کنید)



گلاره عباسی



تصویر گستر پاسارگاد
Tasvir Gostar Pasargad Co.

فهرست

- | | | | |
|----|--------------------------------|----|--|
| ۳ | یادداشت: فریدون جیرانی | ۴ | خبر |
| ۵ | بازتاب | ۶ | گفت‌وگو با عوامل: مهدی سلطانی |
| ۱۰ | از نگاه منتقد: رامتین شهبازی | ۱۲ | کامنت: کاراکتر شهرزاد زیر ذره بین مخاطبان |
| ۱۴ | فضای مجازی | ۱۶ | ذره بین: نگاهی به کارنامه کاری آتیه فقیه نصیری |
| ۱۸ | عکس نوشت: قسمت چهارم | ۲۰ | مخاطب خاص: فیلم‌نامه نویسان |
| ۲۶ | باهالی رسانه: خبرنگاران موسیقی | ۲۸ | قاپ آینده: قسمت پنجم |



«شهرزاد» عشق و سیاست را درهم آمیخت

فریدون جیرانی / نویسنده و کارگردان سینما



سریال «شهرزاد» در مقطع زمانی ساخته شد که سریال‌های تلویزیون دچار مشکلات فکری و ذهنی شده بودند و به دلیل فشارهایی که بر تلویزیون اعمال می‌شد و حساسیت‌های بیش از حد، درام‌های تلویزیون التهاب و جذابیتهی نداشتند تا بتوانند ارتباطی که سال‌های قبل با مخاطب داشتند را مجدداً بدست آورند؛ به ویژه اینکه تلویزیون از یک مقطع زمانی به بعد محبوبیت قبلی‌را از دست داد و مانند سابق نفوذ و بیننده نداشت. از دست دادن بیننده و موقعیت به یک شرایط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ربط داشت و احساس شد که جامعه باید در جای دیگری به آن بپردازند.

البته سریال «قلب یخی» به کارگردانی محمدحسین لطیفی که در دو فصل اول و دوم عرضه شد باب تازه سریال‌سازی در شبکه نمایش خانگی را باز کرد و چون در این مدیوم محدودیت کمتری نسبت به تلویزیون بود، موجب شد مردم متوجه سریال‌هایی شوند که در شبکه نمایش خانگی ساخته می‌شود.

به جرات می‌توان گفت «شهرزاد» تحول ایجاد کرد؛ تحولی غیرقابل انکار. زیرا موضوع عشق را با مضمون سیاسی در آمیخت و مقطع تاریخی را انتخاب کرد و به اتفاق نوشته بسیار منسجم و درست، انتخاب بازیگرانی که سر جای خودشان قرار گرفتند و سرانجام کارگردانی پخته و دقیق، موجب شد تا «شهرزاد» تبدیل به یک پدیده شود. اینکه گفته می‌شود پدیده یعنی فراتر از یک سریال، یعنی تبدیل به جریانی که حتی در فضای مجازی هم توانست بینندگان زیادی را به خود جذب کند و تا به امروز سریالی مانند «شهرزاد» نداشتیم که تا این اندازه ایرانیان داخل و

خارج کشور را به خود مشغول کند که داستان عشقی را با روایت تاریخی بیان کند.

«شهرزاد» در سریال‌سازی جایگاهی دارد که اگر تاریخ بخواند سریال‌ها را بررسی و تاریخ‌نویسان بخواهند به پدیده‌های نمایشی که مقاطعی توانستند اثر گذار باشند، بپردازند به طور قطع «شهرزاد» جایگاه رفیعی دارد.

حسن فتحی کارش را با سریال‌سازی شروع کرده و بیشتر از اینکه در فیلمسازی به عنوان فیلمساز در سینما شناخته شده باشد، به عنوان سریال‌ساز موفق شناخته شده است. سریال عاشقانه «شب دهم» توانست تبدیل به یک سریال تأثیر گذار شود، «مدار صفر درجه» و سریال تأثیر گذار «میوه ممنوعه» هم به تلویزیون رونق بخشیدند و همه در مقاطعی ساخته شدند که تلویزیون اجازه داده بود درام‌ها وارد فضای ملتهبی شوند و آن فضاهای ملتهب را به تصویر بکشند.

فیلم‌های سینمایی «کیفر» و «پستچی سه بار در نمی‌زند» از جانب منتقدان مورد تأیید قرار گرفت تا آنجا که می‌توان گفت فتحی در فیلمسازی ناموفق نبوده است و فیلم‌هایش هم موثر و تأثیر گذار بودند اما بیشتر به عنوان سریال‌ساز معروف است؛ همانطور که میرباقری هم در سریال‌سازی مطرح است.

در «شهرزاد» مجموعه خوبی در کنار هم قرار گرفتند و به فتحی امکان تولید سریال موفقیتی بنام «شهرزاد» را دادند. در این سریال عشق بر بستر تاریخ مطرح می‌شود و قرار است تاریخ بهانه‌ای باشد تا عشق جلوه کند و به عشق بیشتر پرداخته شود چرا که زمان حال محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند و بستر تاریخی این محدودیت‌ها را کمتر.

شهرزاد
فیلمنامه محسن

دومین کلیپ محسن چاوشی برای فصل دوم شهرزاد

کلیپ «هوام دوباره پسه» با صدای محسن چاوشی و ساخته مسعود رفیع زاده همزمان با عرضه قسمت پنجم سریال (دوشنبه، دوم مردادماه) منتشر می‌شود. محسن چاوشی این قطعه را با شعری از حسین صفای‌آماده کرده است. آهنگسازی این قطعه را چاوشی انجام داده و تنظیم آن بر عهده شهاب اکبری بوده است. قطعه «هوام دوباره پسه» سومین قطعه موسیقی محسن چاوشی برای فصل دوم شهرزاد است.

پرویز فلاحی پور در بیمارستان

پرویز فلاحی پور بازیگر نقش نصرت در سریال «شهرزاد»، هفته گذشته و هنگام ورود به لوکیشن سریال تلویزیونی در جستجوی آرامش، دچار عارضه قلبی شد. از آنجایی که لوکیشن این سریال در بیمارستان نفت تهران بود، با پیش آمدن این عارضه، تیم پزشکی بیمارستان وارد عمل شدند و حال این بازیگر اکنون رو به بهبود است. تیم تولید سریال شهرزاد برای این بازیگر توانمند آرزوی سلامتی دارد.

ترانه علیدوستی؛ بازیگری در کلاس جهانی

سایت جشنواره تریبیکا ضمن انتخاب بازی ترانه علیدوستی به عنوان یکی از ۱۰ بازی برتر بازیگران زن در سال ۲۰۱۷ در کنار بازیگرانی مانند کریستین استوارت، نوشته است که در «فروشنده» ترانه علیدوستی بازی خیره کننده‌ای ارائه داده که تحسین بسیاری دریافت کرده است، هم برای کارهایی که انجام داد و هم کارهایی که انجام نداده بود. در ادامه این مطلب که بازتاب وسیعی در رسانه‌های ایرانی داشت، ایفای نقش رعنا در فیلم «فروشنده» توسط ترانه علیدوستی مورد واکاوی قرار گرفته است. شهرزادی‌ها موفقیت همکارشان در این سریال را تبریک می‌گویند و برای ایشان آرزوی موفقیت بیشتر دارند.



هفته گذشته و پس از توزیع قسمت چهارم از سریال «شهرزاد»، رفته رفته فضای گفت و گو و نقد حرفه‌ای سریال در میان رسانه‌های خبری ایجاد شد و رسانه‌های مختلف علاوه بر بازتاب رسمی سریال، گزارش‌ها و نقدهایی را درباره این مجله نوشتند.

● روزنامه صنعت، معدن تجارت در گزارشی تحت عنوان «چرا شهرزاد توانسته به اقتصاد شبکه نمایش خانگی کمک کند؟» به این سریال پرداخته بود و استقبال مخاطب

از شهرزاد را اموشکافی کرده بود. روزنامه شروع نیز با تیتر «شهرزاد مخاطبان را از صدا و سیما گرفت»، این گزارش را بازنشر داد.

● گزارش «شهرزاد موفق‌تر است یا عاشقانه؟» عنوان گزارش دیگری بود که به قلم نژاد پیکانیان در خبرگزاری خبرآنلاین منتشر شده بود و از زوایای مختلف به بررسی این دو سریال شبکه نمایش خانگی پرداخت.

● روزنامه هفت صبح هم در گزارشی مفصل به اتومبیل‌هایی که در شهرزاد مورد استفاده قرار گرفته بودند پرداخته است. این روزنامه تیتر «هفت ستاره پنهان در

شهرزاد» را برای این مطلب خود انتخاب کرده بود. البته پیش از این گزارش و در هفته‌نامه شماره سوم شهرزاد، اینفوگرافیکی از ماشین‌های این مجموعه منتشر شده بود که در کانال‌های علاقمندان به خودرو، بازتاب جالبی داشت.

● کانال سینما به عنوان یکی از کانال‌های پر مخاطب و مرجع سینمایی نیز این هفته در مطلبی با عنوان «سایه سنگین بزرگ آقا»، نقدی را درباره قسمت سوم از فصل دوم سریال شهرزاد منتشر کرده است.

● یکی از مطالب دیگری که در رسانه‌های مکتوب، مجازی، سایت‌های خبری، خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها با استقبال قابل توجهی روبرو شد، نظرات فیلمسازان نسل‌های مختلف درباره شهرزاد بود.

علاوه بر رسانه‌های رسمی، نظرات ابوالفضل جلیلی، سیروس الوند، تینا پاکروان و مرجان اشرفی زاده در میان نظرات کارگردان‌ها، به صورت مجزا در تعدادی از کانال‌های تلگرامی و صفحات اینستاگرامی مرتبط با سینما بازنشر داده شده بود.

● از دیگر خبرهای پر بازخورد این مجموعه، می‌توان به انتشار تیزر آن اشاره کرد که در بسیاری از کانال‌های تلگرامی و صفحات اینستاگرامی منتشر شد. علاوه بر این، خبر انتشار قسمت چهارم سریال و ورود آتیه فقیه نصیری

در نقش ثریا و همسر رضا کیانیان بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها داشت.

● مصاحبه با ژاله زکی زاده طراح لباس سریال و همچنین گفت و گو با حسن روح‌پوروری طراح صحنه «شهرزاد»، نیز در هفته گذشته در رسانه‌ها منتشر شد.

گفت‌وگویی زکی زاده با تیتر «تقاضای مخاطبان برای لباس‌های شهرزاد» در رسانه‌های مختلف و روزنامه‌های سینمایی و هنری بازتاب داشت و خبرگزاری ایسنا در گفت‌وگویی اختصاصی با روح‌پوروری درباره چالش‌های تطابق زمانی لوکیشن‌ها با دوره

تاریخی، تأثیرات رنگ‌آمیزی و... را منتشر کرده بود.

● سومین شماره از مجله مجازی شهرزاد در کانال فیلم نیز که عضوهای آن را علاقمندان سینما تشکیل می‌دهند، بازتاب زیادی داشت. این شماره در این کانال بیش از ۳۰ هزار بار دیده شده است.

● مرتضی میرباقری معاون سیما در اظهار نظری که با واکنش‌های جالبی در شبکه‌های اجتماعی روبرو شد، درباره دو سریال «شهرزاد» و «عاشقانه» که در شبکه نمایش خانگی عرضه می‌شود، گفته است: این دو سریال در قبال ده‌ها سریال دیگر تلویزیون، چیزی محسوب نمی‌شوند. نمی‌خواهم رد کنم و بگویم این سریال‌ها بازخورد نداشته‌اند اما این را می‌گوییم که آن سریال‌ها یک قلم در عرض کالاهای دیگر محسوب می‌شوند.

شهرزاد زیر ذره‌بین رسانه‌های مکتوب و مجازی



مهدی سلطانی، بازیگر نقش «هاشم خان دماوندی»؛

کیفیت و منزلت «شهرزاد» از برخی فیلم‌های سینمایی بالا تر است

◀ شماره داودی

«مهدی سلطانی سروستانی» که اکنون در نیمه دهه پنجم زندگی‌اش قرار دارد، از دهه ۷۰ وارد دنیای بازیگری شده است. او کار حرفه‌ای را با بازی در تئاتر شروع کرد و سپس در تلویزیون و سینما حضور قابل توجهی داشت. او در مجموعه «شهرزاد» پدر فرهاد دماوندی، روزنامه‌نگار عاشقی است که حالا در فصل دوم به عشقش رسیده و هاشم‌خان که در تمام روزهای سخت پسر کنارش بود، حالا هم بعد از رفتن «بزرگ‌آقا» و «جمشید»، حواسش به زندگی پسر و عروسش هست. هاشم همیشه در رکاب بزرگ‌آقا بوده و یک دهنه مغازه فرش فروشی دارد. او آنقدر لوطی است که اگر کسی دستش تنگ باشد، با او کمتر حساب کند.

در شماره چهارم هفته‌نامه مجازی شهرزاد، مهدی سلطانی از بازی‌اش در «شهرزاد» و نگاهش به دنیای بازیگری در مدیوم‌های مختلف، سخن می‌گوید:





■ آقای سلطانی با اینکه شما سن زیادی ندارید و تقریباً هم نسل بازیگرانی چون شهاب حسینی هستید، تصویر غالبی که از شما در سریال‌ها دیده‌ایم، نقش‌های سن و سال دار بوده است. چطور می‌شود که این نقش‌ها را قبول می‌کنید؟ علاقه خودتان هم در این فضا است؟

قطعاً انتخاب نقش‌های مسن، تنها علاقه من نیست. البته بازیگری، یعنی ویژگی‌هایی از یک شخصیت را از این دهی که ممکن است با خودت تفاوت‌هایی داشته باشد و «سن» هم یکی از آن شاخصه‌هاست. اما اینکه یک بازیگر ممکن است بارها نقش مسن‌تر از خودش را بازی کند، ممکن است دلایل متعددی داشته باشد. اول اینکه پیشنهاد دهنده‌هایی که بازیگر را نمی‌شناسند ممکن است بادی‌ن نقش‌های او را بگیریم مسن‌تر، او را مسن تصور کنند. دوم ممکن است بازیگری در یک نقش قابل قبول عمل کرده باشد و چون پیشنهاد دهنده از طریق همان نقش با بازیگر آشنا شده است و از رزومه، سابقه و یا توانایی‌های دیگر او آگاهی ندارد، پیشنهاد همسان و مشابه می‌دهد. سوم ممکن است نقشی نیاز به توانایی‌های جسمانی داشته باشد که برای افراد مسن دشوار است. این مورد بیشتر در تئاتر ممکن است رخ دهد، زیرا تئاتر به دلیل دارا بودن ویژگی‌های خاص، نیاز بیشتری به توانایی‌های جسمانی بازیگر دارد، برای همین شما در تئاتر بیشتر شاهد نقش‌های مسنی هستید که جوته‌ها بازی می‌کنند.

چهارم ممکن است شاخصه‌های فیزیکی و رفتاری مثل طنین صدا و با استیل، تمایل پیشنهاد دهنده‌ها به دعوت از یک بازیگر در یک نقش خاص را بیشتر کند. اما، دلیل انتخاب نقش توسط من، به طور قطع کیفیت آن به لحاظ شخصیت‌پردازی بوده است.

من هیچ‌کدام از نقش‌هایم را از سر اجبار و نیاز انتخاب نکرده‌ام. البته نقش‌های همسن خودم هم پیشنهاد می‌شوند و گاهی با توجه به کیفیت نقش و سلیقه خودم آن‌ها را پذیرفته‌ام. مانند سرگرد کامفر در سریال کیمیا، سرگرد امجد در فیلم سینمایی ملکه، محسن پدیده در سریال هفت سنگ، فیلم سینمایی سایه روشن در نقش دودکار و...

■ هاشم خان در سریال «شهرزاد» شخصیت آرامی است که برای رسیدن به جایگاه امروزش تلاش کرده و البته گاهی تردیدهایی هم نسبت به شرایط و اوضاع بزرگ‌آقا دارد. چقدر کاراکتر هاشم با وجود روایت داستان در دهه‌های گذشته در جامعه ما به ازای بیرونی دارند؟

افرادی مانند هاشم خان در هر دوری وجود دارند، ممکن است سبک زندگی‌شان فرق کند ولی وجود دارند. اما اینکه من از کسی که ما به ازای خارجی دارد تقلید کرده باشم، خیر اینگونه نیست، من اصولاً برای ارایه نقش‌هایم از قوه تخیلم استفاده می‌کنم. شرایط محیطی مفروض



رافراموش کنند، ولی زندگی نقش راهرگز! آن‌ها اینگونه تعلیم دیده‌اند. بسیاری از بازیگرها دو سال که سهل است، ۲۰ سال هم وقفه بیفتد محال است که یک دستی آن رافراموش کنند، زیرا آن را آفریده‌اند و با آن ماه‌ها بلکه سال‌ها زندگی کرده‌اند.

■ در این مدت بازخوردهایی از مردم در باره شهرزاد گرفتید؟

خوشبختانه بازخوردها خوب بوده‌اند و مردم لطف زیادی به مجموعه داشته‌اند. استقبال زیاد از این سریال نشانه رضایت بالای مردم از آن است که قطعاً باعث افتخار سازندگان است. البته گاهی نقدهایی هم در رابطه با بخش‌های مختلف وجود داشته است که بعضاً درست و بجا بوده‌اند که دست اندر کاران فصل دوم از جمله بازیگران و کارگردان قطعاً به آن توجه خواهند کرد تا در فصل دوم بر کیفیت کار افزوده شود.

■ **آقای سلطانی شما در بعضی از مجموعه‌هایی که بازی کرده‌اید، تکه کلام‌هایی را در ذهن مخاطب باقی گذاشتید. از «بگو، خب» در مادرانه تا «شعر تحویل من نده» در شهرزاد. این‌ها تکه کلام‌های مهدی سلطانی هستند یا در روند کار و با کارگردان شکل می‌گیرد؟**

هر دو یا بهتره بگم هر سه! یعنی تعامل یا داد و ستدی است بین نویسنده، کارگردان و بازیگر. اما آن چیزی که در رابطه با تکه کلام بسیار اهمیت دارد، این است که خوب انتخاب شود و درست و به اندازه و در زمان مناسب نیز ارائه گردد. در غیر این صورت ممکن است به یک واژه لوس و نجسب تبدیل شود.

■ **شما تجربه بازی در سینما، تئاتر، تلویزیون و نمایش خانگی را داشته‌اید. این مدیوم‌ها چقدر باهم متفاوت هستند؟ در تئاتر، لذت و فایده‌ای که بازیگر یا اجراکنندگان از اجرا می‌برند بیشتر از تماشاگران است. در سینما و تصویر این**



نقش، که توسط نویسنده و کارگردان پیشنهاد شده است را از زیبایی و سپس سعی می‌کنم دریافت‌های ذهنی‌ام را بازآفرینی و یا به عنایت تبدیل کنم. هاشم خان هم از این قاعده مستثنی نیست.

■ **با توجه به اینکه در سری اول مجموعه، هاشم در بیشتر مواقع یک مرد نگران و پر از دغدغه پسر بوده است، با توجه به شرایط فصل دوم، چقدر فضای هاشم خان تغییر می‌کند؟**

طبعاً در شخصیت او هیچ تغییری صورت نمی‌گیرد. شخصیت هیچ‌کس تغییر نمی‌کند فقط ممکن است

به واسطه قرار گرفتن در موقعیت‌های متفاوت، بخش پنهان دیگری از شخصیتش آشکار شود. هاشم خان هم با قرار گرفتن در موقعیت‌های جدید رفتارهای متناسب با شخصیتش را بروز می‌دهد، سورپرایزهایی هم ممکن است داشته باشد اما جدا از کاراکترش نیست.

■ **این را کورد برای سریالی که فاصله میان فصل اول و دوم آن به چند ماه رسیده، چگونه حفظ می‌شود؟**

بازیگرها ممکن است یک دستی زندگی عادی خودشان



تکه کلام اگر خوب انتخاب نشده و درست و به اندازه استفاده نشود، به یک واژه لوس و نجسب تبدیل می‌شود



رویداد برعکس است، یعنی لذتی که بیننده می برد بیشتر از بازیگران است. مگر زمانی که بازیگر بعد از اتمام کار، خود در جایگاه بیننده قرار گیرد و این یکی از مهمترین تفاوت های بازیگری در مدیوم تئاتر و سینما و یا تصویر است. در قدیم به دلیل اینکه صفحه تلویزیون کوچک و صفحه سینما بزرگ بود، شاید ارایه بازی در این دو مدیوم تفاوت زیادی با هم داشته باشد، اما امروزه گاهی به قدری صفحه های سینما کوچک و صفحه تلویزیون بزرگ شده اند که بازیگری در این مدیوم ها تفاوت زیادی با هم ندارند. در رابطه با شأن یا رتبه و یا منزلت کاری، جایگاه سینما را بالاتر از مدیوم های دیگر تعریف و ارزیابی می کردند و می کنند. اما امروزه به نظر می رسد که تولیدات تلویزیونی یا رسانه ای قصد دارد جایگاه برتری پیدا کند. استقبال مردم، بازیگران و کارگردانان مطرح دنیا به تلویزیون و رسانه های تصویری و سود حاصله ناشی از آن، تهیه کنندگان را بیش از پیش به سوی این صنعت سوق داده است. اما برای من محتوا و یا آنچه که قرار است توسط دوربین ثبت و ضبط شود، به مراتب مهم تر از مدیوم، اندازه و یا قیمت دوربین است. از این رو همیشه نقش، نوشته و کارگردان برای من اهمیت بیشتری از مدیوم بوده است.

از این رو، به اعتقاد من، کیفیت و منزلت هر قسمت از «شهرزاد»، بدون هیچ اغراقی بالاتر از برخی از فیلم های سینمایی است و این را مردم هم متوجه شده اند. قطعا، سریال های خوبی که از طریق رسانه های خانگی در اختیار مردم قرار می گیرند اگر با حمایت مردم مواجه شوند، می توانند تولید کنندگان را تشویق به ساختن آثار با ارزشی کنند که لیاقت مخاطبین شان را داشته باشند. از سوی دیگر رسانه ها و تولیدکننده های دیگر را هم وادار کند که برای ارتقای کیفیت آثارشان در یک رقابت سالم پیش از پیش دست بکار شوند.

■ با توجه به کیفیت فصل اول، قطعا سطح توقع مخاطب برای فصل دوم بالاتر رفته است. پیش بینی خودتان از وضعیت فصل

دوم چیست؟

خوشبختانه سعی و تلاش سازندگان برای ارایه یک کار خوب و احترام گذاشتن به وقت و شعور بیننده در فصل یک، باعث شده متقابلا احترام و اعتماد از جانب بیننده هم نسبت به این سریال و سازندگانش ایجاد شود. این اتفاق بی اهمیتی نیست و به راحتی هم به دست نمی آید و قطعا تولید کنندگان قدر آن را می دانند. اساسا همین امر باعث شد تا سازندگان دست به تولید فصل دوم بزنند. امیدوارم استمرار توجه به کیفیت و احترام به مخاطب در فصل دوم نیز باعث شود قسمت های بعدی مورد استقبال مردم قرار گیرد.

سعی و تلاش سازندگان «شهرزاد» برای ارایه یک کار خوب و احترام گذاشتن به وقت و شعور بیننده، باعث شده متقابلا احترام و اعتماد از جانب بیننده هم نسبت به این سریال و سازندگانش ایجاد شود

خواستنی ترمی کنید؟

وقتی یک قصه خوب که توسط نویسندگان خوب نوشته شده، توسط کارگردانی خوب ساخته شده باشد، همکاران بازیگر هم به خوبی از پس نقش های خود بر آمده باشند و گروه های طراحی، فنی، تولید و تبلیغات هم کارشان را به خوبی انجام داده باشند، اگر آن کار با موفقیت مواجه نشود، آن وقت است که جای تعجب دارد.

■ به نظر شما چه چیزی در شهرزاد وجود دارد که آن را برای مخاطب



در بخش‌هایی از مجموعه دیدیم که شهروزاد تمایلی به پذیرش قیاد ندارد، اما در نهایت به مهر او راه داده و حاصل تولد نوزادی است که بزرگ آقا بستر تولد وی را فراهم آورده است. در همین راستا به نظر می‌رسد که توان کنش‌گری از شخصیت‌ها دریغ شده و ایشان بیشتر در اختیار رویدادها هستند، اما توصیف و برقراری ارتباط با رویدادها اتفاقاً جزو ویژگی‌های دراماتیک این شکل از آثار محسوب می‌شود و نویسندگان و کارگردان در بخش نخست، توانسته‌اند نسبت مناسبی را میان رویدادها و شخصیت‌ها برقرار نمایند.

این نگاه تقدیر‌گرایانه به نظر می‌رسد در بخش دوم بیشتر در چالشی قرار می‌گیرد که در قرن بیستم به انگاره آگزیستانسیالیستی معروف است، اینکه انسان محکوم به آزادی، تحت هر شرایطی سعی می‌کند شرایط را تغییر

مجموعه شهروزاد دارای نکات قابل توجهی است که پرداختن آنها با خودآگاهی به عنوان یک الگو می‌تواند دستاویزی باشد برای به دست آوردن الگویی برای موفقیت یک مجموعه خانگی، البته الگویی که طبیعی است باید درست اجرا شود و شاید همین الگو با اجرایی بد به اثری معکوس بگراید که خوشبختانه در مورد شهروزاد چنین اتفاقی رخ نداده است.

یکی از مهمترین ویژگی‌های «شهروزاد»، نوع فیلمنامه و داستانی است که حسن فتنی و نغمه نمینی برای روایت موضوع انتخاب کرده‌اند. روایتی که در این مجموعه اتفاق می‌افتد، بر اساس کهن الگوی آشنایی بنام تقدیر است که در بسیاری از آثار ادبیات نمایشی، خود را در قالب موضوع یا تم نشان می‌دهد.

این کهن الگو

نقطه عطف شهروزاد گذار از تقدیر به کنش است



رامتین شهبازی



دهد. در بخش پیشین شخصیتی که غزل شاکری نقش او را بازی می‌کرد، تا حدی به این نگاه آگزیستانس رسیده، اما بنای داستان چندان بر تأکید روی این نگاه نبود. اما در فصل دوم از دواج شهروزاد و فرهاد، نقش محوری عمه بلقیس در حذف رقیبان فامیلی قیاد، بازی‌ای که شخصیت پرویز فلاحی پور تدارک دیده و حتی در قسمت اخیر ورود شخصیت پلیسی با بازی امیر جعفری نشان می‌دهد انگاره شخصیت‌های آگزیستانس برای نویسندگان و کارگردان اثر مهم‌تر شده است. همین نکته خود نوعی تغییر را در داستان منجر می‌شود که بسیار زیرپوستی است، با اینکه صاحبان اثر فضا را در حال و هوای ادامه درام فصل نخست حفظ کرده‌اند، اما سوی دیگر تغییری را نیز منجر شده‌اند که می‌تواند نوعی گذار برای زندگی شخصیت‌ها با مرگ بزرگ آقا باشد.

در ناخودآگاه هر انسانی جای دارد و بنابراین به صورت طبیعی با آن ارتباط برقرار می‌کند، کما اینکه از منظر خودآگاه نیز همین موضوع تاکنون مورد مذاقه بسیاری از اندیشمندان بوده است و نسبت تقدیر همواره با عناصر دیگری همچون آزادی انسان، کنش‌گری او و... مورد بحث واقع شده است.

در فصل اول مجموعه شهروزاد، این نگاه تقدیر‌گرا بر زندگی همه شخصیت‌ها سایه افکنده است و رأس هرم که بزرگ آقا نام دارد، می‌کوشد با کنش خود تقدیر درونی داستان را برای افراد رقم بزند. طبیعی است که در برابر این تقدیر کلان، کنش‌مندی شخصیت‌ها در دایره همین تقدیر قرار می‌گیرد. یعنی شخصیت‌ها توان چندانی برای برهم زدن بازی ندارند. کما اینکه

به نوعی برای شخصیت‌ها تدارک می‌بینند که حسن تناسب دراماتیک آن‌ها حفظ شود. نویسندگان اسیر شیفتگی نگارش گفت‌وگوها نشده‌اند و در بند زبان باقی نمی‌مانند. شخصیت‌ها متناسب به وضعیت خود وضعیتی از درون به بیرون دارند و آنگونه کلمات را بر زبان می‌آورند که در حوزه تحلیل گفت‌وگو در فیلمنامه‌نویسی و درام از آن به مثابه حسن تناسب یاد می‌شود. بسیاری از نویسندگانی که سعی دارند از زبان دوره مشخص تاریخی و یا زبان آهنگین در کار خود استفاده کنند، به سمتی سوق پیدا می‌کنند که این زبان میان شخصیت‌ها و مخاطب فاصله انداخته و مخاطب آگاهانه با وضعیتی نمایشی رو به رو می‌شود. این درحالیست که در شهرزاد، شخصیت‌ها گویا همین امروز زندگی

به نظر می‌رسد قصد بر این است که قدرت هر می‌جای خود را به قدرتی شبکه‌ای در داستان بدهد (البته برای قضاوت قطعی هنوز زود است).
دوم نکته جذاب در مورد مجموعه شهرزاد، تغییر از گانیک مقوله عشق از یک عشق سنتی به عشقی مدرن و در این میان بازتعریف دوباره عشق کلاسیک است. در مطالعات فرهنگی سه نوع عشق داریم. عشق کلاسیک که به ادبیات کهن مربوط می‌شود مثل لیلی و مجنون که عشق آرمانی و افلاطونی است. نوع دوم عشق مدرن است که در قرن بیستم خود را نشان می‌دهد مانند فیلم کازابلانکا و نوع سوم عشق پست مدرن که بیشتر در فیلم عشق‌ها نکه نمود پیدا می‌کند که هم محبت و هم نفرت توأمان وجود دارند
که اگر مرز بین



می‌کنند و کلا از

دهان بازیگران پایین نمی‌ریزد، بلکه ادا می‌شود و با ذات آن‌ها همگون می‌نماید که تبحر بازیگران در ایفای نقش نیز در این راستایی تاثیر نیست. حسن فتحی و نغمه ثمینی در طراحی داستان خود سعی دارند شخصیت‌ها را در گذار از یک دوره تاریخی روایت کنند و به این ترتیب تفسیر تاریخ بر توصیف تاریخ ارجحیت می‌یابد که نگاهی تازه به بیان تاریخ است. اگر چه گاهی اشارات مستقیم به این تاریخ همچون گفت‌وگوهای شهرزاد و فرهاد در سفر به اصفهان با یکی از مبارزان سیاسی وجه دراماتیک پیدانمی‌کند، اما در نگاه کلی جوشیدن گره اصلی در فصل نخست از درون تاریخ می‌تواند یکی از موجبات جذاب بودن داستان شهرزاد را پدید آورد.

عطوفت و خشونت را جدا

کنیم این‌ها موازی با هم جلو می‌روند.
در فصل نخست شهرزاد ابتدا میان شهرزاد و فرهاد عشقی افلاطونی و کلاسیک جریان دارد. اما با ورود قباد، علاقه شهرزاد به او تبدیل به عشقی مدرن می‌شود؛ عشقی که در آن شخص علائق خود را به نفع «دیگری» کنار می‌گذارد. در ادامه و با بازگشت شهرزاد به سمت فرهاد، دوباره عشق به سمت همان عشق افلاطونی ادامه می‌یابد که همین تغییرات نیز ناشی از حرکت آرام درام در بستر داستان است و باعث می‌شود درام دچار رکود نشود.
نکته قابل توجه دیگر در این سریال، زبان دراماتیزه شده آن است. فتحی و ثمینی اگر چه داستان خود را در یک بازه تاریخی مشخص روایت می‌کنند، اما کلام را



کارا کتر شهرزاد زیر ذره بین مخاطبان

با توجه به اینکه تعداد نظرات ارسال شده برای صفحه رسمی «شهرزاد» در اینستاگرام افزایش قابل توجهی پیدا کرده، از این پس، یک صفحه به کامنت‌های کاربران در صفحه رسمی شهرزاد در اینستاگرام اختصاص پیدا کرده است. همچنین در یک صفحه هم نظرات کاربرانی که به آی دی (@ShahrzadContact) در تلگرام پیغام داده‌اند منعکس می‌شود.

کامنت‌های اینستاگرام:

نقش فرهاد در ادامه بیشتر بشه و باز هم با جریانات سیاسی همراه بشه که در فصل اول خیلی به جذابیت سریال افزود. به نظر تغییر رفتار شهرزاد نسبت به فصل اول هم کاملا منطقی و قابل قبوله.

● سامان: در حال حاضر سریال در این چهار قسمت داره شخصیت‌های تازه واردش رو معرفی می‌کنه و طبعاً نویسنده‌ها فعلاً دارن دنیای سریال رو گسترش می‌دن. باید صبر کرد و دید که بعد از مرحله معرفی کاراکترها، سریال چی توی آستینش برای نمایش داره. شخصا از اینکه روند فیلمنامه به سمت عمیق تر شدن پیش بره خیلی بیشتر لذت می‌برم تا نمایش داستان عاشقانه شهرزاد و فرهاد.

● فهمیمه: آقای فتیح همیشه به نظر مخاطب عام احترام می‌ذاره و سعی می‌کنه توجهش جلب کنه، ولی هیچ وقت به مخاطب باج نمیده؛ یعنی خواست خودش و اون چیزی که فکر می‌کنه درسته رو به خاطر پسند مخاطب تغییر نمی‌ده. ایشون می‌دونه با رسوندن شهرزاد به فرهاد

● کوئین: بعضی‌ها توقعشون از یک شخصیت خیلی بالاست! شهرزاد حق داره که عوض بشه! اون مظلوم بود ولی با اتفاقاتی که افتاد، معلوم بود که عوض میشود، چون خیلی سختی کشید! به زور از عشقش جداپیش کردند و سر سفره عقد نشاندنش، آن هم با کسی که دوستش نداشت! بچه دار شد ولی وقتی تازه کم کم داشت به زندگی اش عادت می‌کرد، هم طلاقشو گرفتند و هم بچه‌اش رو ازش گرفتند و تازه پدرش هم همون موقع فوت کرد! شیرین کلی اذیتش کرد و حالا هم که با فرهاد ازدواج کرده، باز هم می‌ترسه که

مبادا قباد بخواد زندگیشو نابود کنه یا دیگه نذاره بچشو ببینه! وقتی آدم انقدر سختی بکشه معلومه که عوض می‌شه و دیگه نمی‌تونه مظلوم باشه و آرام.

● نگار: فکر می‌کنم هر قسمت داره به هیجان فصل دوم اضافه می‌شه، بر خلاف نظر برخی از دوستان، فکر می‌کنم شخصیت پردازی‌ها به همون خوبی فصل اول هست که البته امیدوارم



و اضافه کردن سکناس‌های شاعرانه، ممکنه یه عده از طرفدارای قباد بهش اعتراض کنن اما آگاهانه این کارو انجام داده.

● **تگین:** الان با این وضعیت فعلی شیرین، کاش میشد براش دلسوزی بیشتر کرد. من اینطور حس نمی‌کنم که قباد داره شیرین رو طلاق میده چون نفرتش بیش از حده و می‌خواد اموال رو بالا بکشه، بلکه به نظر من قباد فقط یه فرصت مبیننه برای طلاق دادن شیرین فرصتی که هیچ وقت نداشته!

● **مرضیه:** کاراکتر فرهاد برای من و تمام اعضای خانواده‌ام بسیار دلنشینه. منش و رفتار فرهاد نمونه یک انسان کامل و روشنفکر هست و تقابل بین فرهاد و قباد مخصوصاً در فصل دوم سریال، ما را بیشتر با صفات نیک و برگزیده کاراکتر فرهاد آشنا میکنه که البته بازی زیبایی مصطفی زمانی این کاراکتر را بسیار دوست داشتنی و شیرین‌تر کرده. البته کاراکتر شاپور که در قسمت چهارم به سریال اضافه شد هم بسیار جالب بود.

نظرات از سالی مخاطبان به تلگرام:

● **احسان:** روندی که داستان تا امروز تعریف کرده و شخصیت‌های جدید هم به داستان اضافه شده‌اند، خیلی خوب است؛ مخصوصاً اینکه قسمت چهارم هم بسیار قوی بود. همچنین لحظه‌های عاشقانه بین شهرزاد و فرهاد عالی هستند.

● **محمدعلی:** بازی آقای کیانیان و آقای جعفری در اولین حضور پررنگ خودشون در نوع خودش بی‌نظیر بود.

● **امین:** فصل دوم داره موتورس گرم می‌شه و قسمت چهارم هم خوب بود. کم کم داره عالی میشه، فقط امیدوارم به بهترین شکل تموم بشه.

● **اف:** نه فقط مقوله فیلم و فیلمسازی، که هرکاری که ساخته دست و فکر بشر است محاسن و معایبی داره. سریال شهرزاد هم از این قاعده مستثنی نیست. با وجود قصه روان و جذاب نقاط ضعفی هم دارد. ولی در کل برای قضاوت کمی زوده. قسمت چهارم خوب بود و ورود بازیگران و ماجراهای جدید ایجاب می‌کرد که سکناس‌های بیشتری به آن‌ها اختصاص داده شود تا مخاطب در ادامه قصه و در برخورد این ماجراها با قصه اصلی سرد گرم نشود. امیدوارم به هر شکلی که قصه پیش میره در پایان رضایت‌مندی مخاطب رو در

پی داشته باشه.

● **فاطمه:** فصل دوم شهرزاد هم مثل فصل اول جذاب و دیدنی ست. خوشحالم که هنوز هم میشه به ساخت سریال‌های جذاب و سطح بالا امیدوار بود.

● **نرگس:** کاش شهرزاد هفته‌ای دو بار میومد، انتظار کشیدن چقدر برای شهرزاد طولانی و زیاد است. دلیم برای شیرین خیلی سوخت، ولی خب اون هم در حق کسانی بد کرده بود دیگه و ای کاش بزرگ آقا بود در این فصل تا همه چیز درست می‌شد.

● **معصومه:** این سریال بی‌نظیره. من با شهرزاد زندگی می‌کنم، با سکناس‌های احساس‌ساز اشک می‌ریزم و آرزوی عشقی مثل عشق شهرزاد و فرهاد واسه خودم دارم.

● **فاطمه طاهری:** فصل دوم شهرزاد از همون ثانیه شروع قسمت اول نشون داد اینبار تم عاشقانه‌تری داره. مثلث عشقی شهرزاد، فرهاد و قباد در فصل دوم کاملاً سوار بر داستانه... شهرزاد و فرهاد بهم رسیدن و نمونه یه زوج کاملاً عاشقتند. قباد هم که در نبود بزرگ آقا و با وجود عمه بلقیس روز به روز پر قدرت تر میشه و همین شاید باعث بشه بزرگ آقای دوم بشه و برای به دست آوردن عشق واقعبش هرکاری بکنه، هر کاری!!! امیدوارم داستان جوری پیش بره که تم عاشقانه واقعی پررنگ‌تر از همیشه بشه و در واقع حق به حق دار اصلی برسه...

شخصیتهای فرعی هم مثل اکرم، نصرت و شربت قسمت به قسمت پررنگ‌تر و مرموزتر میشن که این در کنار داستان شخصیت‌های اصلی جذابه.

● **سمیرا:** فصل اول احساس‌ساز تر و روابط عاشقانه بیشتری به چشم می‌خورد ولی در فصل دوم چیزی که می‌بینیم استرس و اضطرابه!

درباره قباد هم باید بگم که اون تنها ترین شخصیت سریاله. قباد در مراحل زندگیش همیشه تنها بود و زندگی اون جز تلخی و تنهایی و امر و دستور بزرگ آقا معنی‌ای نداشته. ولی از زمانی که شهرزاد بالاچار وارد زندگیش شد، زندگی براش معنی و مفهوم گرفت که البته ترس باعث شد اون رو هم از دست بده. من منتظر به واقعبت رسیدن حرف شهرزاد به قباد هستم، همونجایی که میگه: «امیدوارم ترساتو کنار بذاری، همونی بشی که خودت میخوای همونجوری که دوست داری زندگی کنی».





عکس حسن فتحی از یک لوکیشن زیبا در شهرزاد



نقاشی جالب یک شهرداری از کاراکترهای سریال



عکسی از گلاره عباسی و پانتا؛ پناهی‌ها در صفحه بازیگر نقش اکرم



پریلز ایزدیار تیزر قسمت چهارم را با تصاویری از ایفای نقش شیرین به اشتراک گذاشت



پست یک مخاطب پس از پخش قسمت چهارم سریال: هیچ چیز سخت‌تر از، از دست دادن کسی نیست که برای از دست ندادنش، باید با چون و دل می‌جنگیدین



چیش یک شهرداری با قسمت چهارم و هشتگ #شهرزاد را حلال ببینیم



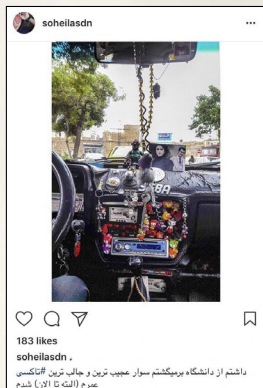


تولد شما مبارک خانم عباسی. مطمئن هستم که برو آینده از شما بیشتر

تبریزی که به مناسبت تولد ۳۴ سالگی گلاره عباسی که نقش اکرم را در سریال ایفا می کند

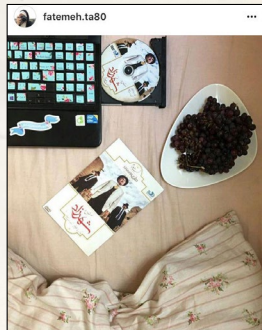


عکس نوشت یکی از صفحات طرفداران شهرزاد: بی بناهی یعنی زیر آور کسی بمانی که قرار بود، تکیه گاهت باشد.



داختم از دانشگاه برمیگشتم سوار محبوب ترین و جالب ترین تاکسی عروه (الله تا الله) شدم

تاکسی شهرزادی جالب



انگور، رضا کیانیان، قسمت چهارم شهرزاد و هشتگ دوشنبه_شهرزادی هادر اینستاگرام یک مخاطب



چینشی زیبا با قسمت چهارم سریال شهرزاد



نقاشی یک مخاطب نوجوان از عمه بلقیس و شیرین



نگاهی به کارنامه کاری آنته فقیه نصیری؛

گزیده کاری در سه دهه بازیگری بی حاشیه

آنته فقیه نصیری با حضور مقدماتی در قسمت چهارم شهرزاد در نقش همسر رضا کیانیان، چهره‌ای متفاوت و کاراکنتری با ابعاد پیچیده را معرفی می‌کند که می‌تواند نقطه عطف دیگری در دوران میانسالی این بازیگری بی حاشیه باشد.

میشم محمدی



و تأثیر گذار در سینما و تلویزیون بوده است. این موفقیت یک مسیر قابل قبول با منحنی صعودی داشته است. او از اوایل دهه هفتاد خود را در میان مخاطبان سینما و در ادامه مخاطبان انبوه تلویزیون دید و در قاب تلویزیون با درخشش در نقش یک معلم جوان و دلسوز با لحن و چهره‌ای معصومانه در دل‌ها نفوذ و خود را در عرصه تلویزیون شناسنامه‌دار کرد. خاله سارای اوایل دهه هفتاد

از متر و معیارهای اساسی و رایج برای سنجش موفقیت یک بازیگر در طول فعالیت حرفه‌ای او، توجه و سنجیدن فاکتورهایی چون همکاری با کارگردانان بزرگ، حضور در نقش‌های متفاوت و تداوم حضور در مدیوم‌های گوناگون و همچنین مورد استقبال واقع شدن از سوی مخاطبان را می‌توان نام برد. آنته فقیه نصیری با کارنامه‌ای که از خود ثبت کرده است، بدون اغماض یکی از بازیگران زن موفق

در واقع به نوعی فقیه نصیری یک حضور متداوم و متعالی در سینما و تلویزیون داشته و دور از هیاهوهای رایج رسانه‌ای، خود را در مسیر پر تلاطم بازیگری حفظ کرده است. حتی جریان ابتدایی او به بیماری ام اس نیز او را به خروج از این مسیر وادار نکرده و بار دیگر با مدیریت شرایط و بدون حاشیه به راه خود ادامه می‌دهد.

یکی از نتایج این پشتکار و مدیریت حرفه‌ای نیز تنوع ژانری است که در کارنامه کاری آنته فقیه نصیری دیده می‌شود و این نیز یکی از نقاط قابل انکاب برای صحنه گذاشتن بر توانایی این بازیگر سینما و تلویزیون است که گونه‌های مختلف سینمایی را با کارگردانانی از جنس‌های گوناگون تجربه کرده و همیشه در یک منحنی قابل قبول قرار داشته است. رسول ملاقلی‌پور، محمدعلی سجادی، علیرضا داوودنژاد، ساموئل خاچیکیان، یدالله صمدی، ابولحسن داودی، امیر قویدل، سیامک شایقی از جمله کارگردانی هستند که بی‌تردید تنوع دیدگاه و ژانر و سبک کاری در میان آن‌ها مشهود است. از کمدهای استاندارد و ژانر دفاع مقدس تا مضامین اجتماعی مختلف که بی‌شک در بستر هر کدام کاراکتری با ابعاد منحصر به خود وجود دارد که فقیه نصیری در آن‌ها ایفای نقش کرده است.

حضور فعال در دهه‌های فعالیت این بازیگر گواه محکمی بر توانایی و موفقیت او در دوران حرفه‌ای‌اش در زمینه بازیگری است که بی‌تردید همین نکاتی که به آن‌ها اشاره شد، مهر تاییدی برای حضور فعال وی در نیمه دوم دهه ۹۰ و در یکی از پر مخاطب‌ترین سریال‌های این روزهای شبکه نمایش خانگی، یعنی فصل دوم سریال «شهرزاد» است. جایی که پس از تجربه موفق او با حسن فتحی در سریال «مدار صفر درجه» و با توجه به حضور جمعی از بزرگان سینما و تلویزیون در آنجا، اثری درخشان را برای مخاطب به جای خواهد گذاشت.

فقیه نصیری با قسمت چهارم فصل دوم شهرزاد بار دیگر وارد خانه‌های مردم شده و این بار نیز با همان حضور مقدماتی که در این قسمت دارد، به نظر در نقش همسر شاپور بهبودی با بازی رضا کیانیان، چهره‌ای متفاوت و کاراکتری با ابعاد پیچیده را به ما معرفی می‌کند. اتفاقی که می‌تواند در این دوره کاری و در مدیوم جدید نمایش خانگی که مخاطبان خاص خود را دارد، نقطه عطف دیگری در دوران میان‌سالگی این بازیگر باشد تا همچنان او از بعنوان یک بازیگر و هنرمندی حاشیه و تاثیرگذار در عرصه‌های مختلف به یاد داشته باشیم و به تماشای آثارش بنشینیم.

که در جایگاه آن دوران تلویزیون که مانند امروز تشتت و تکتور بر نامه‌ناداشت، وارد قالب جادویی شد و توانست با یک سریال والیته تکیه به توانایی خود پیشبرد می‌آید و کندنده در مسیر خود داشته باشد. اما حفظ اعتبار این شناسنامه هنری که حضور در سینما و تلویزیون در آن تا حدود زیادی پایاپای بود، کمی دشوار به نظر می‌رسید، اما گویی دختر جوان آن روزهای سینما و تلویزیون با اقلی روشن، هم اقبال خوبی داشته و هم هوشمندانه آثاری را انتخاب می‌کند تا هم محبوبیت تلویزیون و هم پرستیژ حضور در سینما را از دست ندهد. او یکی از نمایندگان خاطره‌ساز برای متولدان دهه ۵۰ و ۶۰ بود و در آن سنین مسئولیت‌بازنمایی تصاویری چون معلمی صمیمی، یک دختر جوان و دلسوز، یک معلم زحمتکش و باوجدان و دختری وفادار را به دوش می‌کشید. این درخشش باز هم او را از چشم پرده‌نقراهای سینما و هدایتگران خوش‌نام آن دور نکرد.

یکی از نقاط تمایز بازیگرانی چون فقیه نصیری حفظ تعادل میان دو مدیوم پر مخاطب سینما و تلویزیون است. او همچنان که در تلویزیون مورد استقبال مخاطب قرار می‌گیرد، هوشمندانه در سینما نیز جای پای خود را محکم می‌کند و بر خلاف عمده بازیگرانی که پس از رویت شدن روی پرده سینما به تلویزیون پشت کرده و خود را در انحصار پرده‌نقراهای قرار می‌دهند، فقیه نصیری مخاطب میلیونی قاب جادویی را نادیده نگرفته و کماکان با هوشمندی در سریال‌های درخشان و موفق چون «خانه سبز»، «شلیک نهایی»، «داستان یک شهر»، «کت جادویی»، «گم‌گشته»، «جراحت»، «شمعدانی»، «حیرانی» و «شیدایی» حضور پیدای می‌کند و در دهه‌های مختلف عمر حرفه‌ای خود با تنوع کاراکترهایی که ایفای آن‌ها را به عهده می‌گیرد، تصویری متفاوت‌تر از گذشته خود را ثبت می‌کند و آثار قابل توجهی را از خود بر جای می‌گذارد.

از طرفی هم آنته فقیه نصیری حضور قابل تأمل در تله فیلم‌ها داشته و در سینما نیز توانسته آثاری به یادماندنی و با وزنی قابل توجه در هنر هفتم را از خود بر جای بگذارد. او در فیلم‌های سینمایی «جیب‌برها به بهشت نمی‌روند» به کارگردانی ابولحسن داودی، «دو نفر و نصفی» بعنوان اثری دلنشین از یدالله صمدی در کنار فرامرز قریبیان و علیرضا خسته، «بندر مه آلود»، «من زمین را دوست دارم» و همچنین «مزرعه پدری» و «قارچ سمی» از رسول ملاقلی‌پور نقشی فراموش‌نشدنی در سینمای ایران دارد.



عکس نوشت
قسمت چهارم



نصرت: خانومی تو فقط بگو دلت با منه، باقیش عینا همونی می شه که تو می خواهی.
شریت: اگه دل لاگردارم با تو اینجا نبود، چه غلطی می کردم این همه وقت اینجا با این کلاه گیس تلخکی و قیافه عنتری؟



عمه بلقیس: شیرین دیوان سالار! این اسم رو که همین چوری بدون پیشوند و پسوند روونه زبونتون می کنید، صاحب تمام دارایی دیوان سالاره.
دکتر: خانم وقتی عقل در بدن نباشه، بگو مالک دنیا، بگو مالک یه تیکه نون بیات؛ فرقی نمی کنه



شاپور: حضرت اشرف منو به یه والس ملس مهمون می کنن؟
ثریا: سرم خیلی درد می کنه!



عمه بلقیس: تو و شیرین تا آخر عمر وصله همید، زن و شوهری همینه. همین که فکر می کنی یکی کنارته، تا آخر عمر وبال ریشته. فیتیله عاشقی می سوزه و پایین میاد. اون شهرزاد هم اگه تو یکی می شد، تهش همین بود. می فهمی؟ پس هر خیال باطلی که توی سرته... پُر! قباد: نه! نه عمه جون. این دفعه دیگه نه!



شاپور: نمی خوام شماها رو بکشم! خیالتون راحت باشه. ولی خب یه شرط داره. یه سیگار روشن می کنم، شروع می کنم کشیدن تا زمانی که به تهش برسه. تو این فاصله شما دو تا، باید یکیتون اون یکی رو بکشه، ولی اونیه که زنده بمونه رو... من نمی کشم! قول می دم، قبول؟



فرهاد: از اصول اولیه آزادی این است که هر کسی را با خودش بشناسند و نه با پدرش که اگر این طور نباشد جناب دکتر مصدق به واسطه تبار قجری اش متهم ردیف اول محسوب می شود.





فیلمنامه نویسان از شهرزاد می گویند:

رگ خواب تماشاگر در دست شهرزاد

سپیده حیدرآبادی

پس از عرضه قسمت چهارم سریال شهرزاد و ورود بازیگران جدید به این مجموعه، نظرات بیشتری حول محور شهرزاد شکل گرفته است. هفته نامه مجازی شهرزاد پس از نظرخواهی از اهالی رسانه، کارگردان‌ها، بازیگران، این بار نظرات ۱۰ فیلمنامه‌نویس را درباره این مجموعه جویا شده است:



خشا‌بار الوند



بیشتر خانه شخصیت‌ها را مشاهده می‌کنیم. در شهرزاد شخصیت‌های ساخته پرداخته شده، جذاب هستند. به عنوان مثال، قباد که ابتدا تصور می‌شد شخصیتی خاکستری دارد، اما هرچه جلوتر می‌رویم دل‌مان بیشتر برای او می‌سوزد و البته شهاب حسینی بسیار خوب آنرا ایفا کرده است. نقش شهرزاد هم که محور داستان محسوب می‌شود، دختری است در جامعه‌ای که در حال مدرن شدن است اما به خاطر مصلحت‌های پدرش به واسطه روابطی که با بزرگ آقا داشته، به خواسته‌های او تن می‌دهد. می‌توان گفت این شخصیت نیز کارایز ماتیک و جذاب است. خانم‌ها با شخصیت شهرزاد ارتباط خوبی برقرار کرده‌اند و این مزیت بزرگی است که شخصیت

نکته برجسته فیلمنامه شهرزاد این است که رگ خواب تماشاگر را از ابتدا در دست می‌گیرد. در این مجموعه انتظار نداریم به همه شخصیت‌ها خوب پرداخته شده باشند و یا طراحی صحنه و دکور خیلی عالی باشد... چون از همان ابتدا قاب‌بش به تماشاگر می‌افتد. ضمن اینکه شهرزاد به خاطر فرم داستان‌گویی کلاسیکی که دارد، به روز شده است. نکته مهم دیگر در مورد سریال این است که خودش را زیاد درگیر تاریخ نکرده است. حسن فتحی در سریال شهرزاد بیشتر حال و هوای تاریخی را منتقل می‌کند و صرفاً به تاریخ نمی‌پردازد. به همین دلیل هم ما زیاد لوکیشن شهری نمی‌بینیم و

جهان به میدان می‌روند. بعد یک روز «مار یو بار گاس یوسا» بعد از این همه سال جایزه‌ی نوبل را برد و این اتفاق برای ما شیفنگان یوسا، شبیه رفتن به جام جهانی و بردن از استرالیا بود. با اینکه هیچ کس به خیابان‌ها نریخت و بوق بوق نکرد، اما یک جور هیجان و شادی مشترک میان دوستداران ادبیات جریان پیدا کرده بود که اگر می‌توانستند همدیگر را پیدا کنند، حتما در این احساس پیروزی با هم شریک می‌شدند.

چند سال بعد که مجموعه شهرزاد ساخته شد و عکس‌ها و ترانه‌های جذاب‌اش این طرف و آن طرف میان مردم رد و بدل می‌شد، به نظر می‌رسید یک اتفاق هیجان‌انگیز در عالم مجموعه‌سازی در حال رخداد است. گفت‌وگوها رنگی از شهرزاد به خود گرفت و هموطنان دور و نزدیک از همه جای دنیا، شروع کردند به اینکه شهرزاد را پیگیرانه تماشا کنند. موجب افتخار بود که یک مجموعه ایرانی، دل ایرانی‌ها را ببرد. مجموعه‌ای که این بار پسند عام و خاص شده بود و آنقدر شرافت داشت که از برنده شدنش خوشحال و راضی باشی. همان طور که اصغر فرهادی و فروشنده‌اش یک روز صبح خیلی زود (که نمی‌توانستیم همگی با هم به خیابان‌ها برویم) با جایزه اسکارش ما را به هم پیوند داد و هیجان‌زده کرد.

آیا اتفاقات جهان فیلمسازی می‌تواند به توفیقات ملی واقعی تبدیل شود؟ اتفاقی پربیننده بودنش، توفیق با تحمیق تماشاگر نباشد و سلیقه تماشاگران را بالا ببرد؟ توفیقی که با خود سیاهه‌ای از صرف هزینه‌های بیت‌المال را همراه نداشته باشد و بر سرمایه‌ای از تبعیض و بی‌قانونی و رفیق‌بازی استوار نباشد؟ زنده‌باد شفافیت، زنده‌باد زیبایی و دقت، زنده‌باد شهرزاد.

سیروس تسلیمی

شهرزاد فیلمنامه بسیار جذابی دارد تا آنجا که مخاطب را هر هفته پیگیر خود می‌کند. معمولا در سریال‌ها از ابتدا که



محوری با تماشاگر ارتباط گرفته و مخاطب نگران اتفاقاتی باشد که برای او می‌افتد. این‌ها همگی دستاوردهای این سریالی چند هزار دقیقه‌ای است. در دوره‌ای که مخاطب، سریال‌ها و فیلم‌های مورد علاقه‌اش را دانلود می‌کند، اینکه برای سریالی هزینه کند، موفقیت بزرگی محسوب می‌شود و لذت‌بخش است. سریال شهرزاد توانسته با قشرهای مختلف جامعه ارتباط برقرار کند، مخصوصا با جمع خانواده‌ها. چرا که اکثرا شاهدیم که این سریال در خانواده‌ها به طور جمعی دیده می‌شود که این امر نشان از موفقیت یک اثر دارد.

این نکته را هم باید اضافه کرد که امروز مخاطب می‌تواند داستان و نتیجه فیلم‌ها و سریال‌ها را حدس بزند اما در مورد سریال شهرزاد بدین شکل نیست. بارها سعی کردم حدس بزنم که برای شخصیت‌ها چه اتفاقی می‌افتد و ماجرا چه می‌شود اما رودست خوردم و متوجه شدم حدس اشتباه بوده است! یعنی نغمه نمینی و حسن فتحی به درستی کارشان را انجام داده‌اند. در کل مدل قصه‌گویی شهرزاد به گونه‌ای است که تماشاگر راحت‌تر در قسمت‌هایی که نقطه عطفی ندارد و اتفاقی نمی‌افتد هم مشتاق نگه می‌دارد.

معصومه بیات



هر بار که مردم برای کسب پیروزی‌های فوتبالی به خیابان‌ها می‌آمدند و شادی و هیجان‌شان را ابراز می‌کردند با خودم فکر می‌کردم آیا ممکن است چنین هیجانانگسترده‌ای برای هنر و ادبیات هم پیش بیاید؟ اینکه یک رخداد فرهنگی پیروزمندانه بتواند باعث شادی اکثریت مردم و ابراز احساسات‌شان بشود تنها یک خیالپردازی به نظر می‌رسید. البته جالب توجه است که این اتفاق برای ورزش‌های دیگر حتی فوتبال ساحلی یا والیبالی نمی‌افتد که پیروزی‌های‌شان خیلی بیشتر از فوتبال چمنی ست و بیشتر برای رده‌بندی و قهرمانی

مخاطب خاص

داستان هایش به اندازه‌ای پیشرفت کرده که به آسانی می‌تواند مخاطب را با خود همراه کند. فصل دوم مجموعه شهرزاد هم درست به همان اندازه فصل اول جذابیت لازم را برای همراه کردن مخاطب دارد.

شروع به دیدن می‌کنیم تا انتها، باید منتظر باشیم تا متوجه اتفاقی شویم اما در سریال شهرزاد هر قسمتش ابتدا و انتها دارد و شاهد اتفاقی جدیدی هستیم. از نکات بسیار مهم دیگر در مورد سریال شهرزاد این است که با اینکه مخاطب برای دیدن آن هزینه می‌دهد اما او را نیز با خود همراه می‌کند.

حسن فتحی برای آثارش چارچوب خاصی دارد که عشق و تاریخ بهم تنیده شده است. این موضوع زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که بدانیم در سریال‌ها و فیلم‌های ما مقوله عشق تکراری شده است و مردم اغلب به سراغ فیلم‌های کمدی می‌روند و شهرزاد از این رویه تبعیت نمی‌کند. فتحی در سریال شهرزاد به برهه‌ای از زندگی آدم‌ها توجه دارد که در طول سال‌های گذشته کمتر به آن پرداخته شده است.

شهرزاد از سریال‌های آپرومند و پرقدرتی است که برای مخاطب جذاب بوده و بازی‌ها آنقدر قوی هستند که برای بیننده تکراری نشده است. البته معمولاً این نوع سریال‌ها در فصل‌های بعدی به ورطه تکرار می‌افتد اما امیدوارم در مورد شهرزاد، شاهد اتفاقات خوبی در فصل دوم باشیم، زیرا شهرزاد از معدود سریال‌هایی بود که مخاطب را با خود همراه کرده است.

شادمهر راستین



مهمترین ویژگی سریال شهرزاد این است که برای مدیا نوشته شده است یعنی از ابتدا پیش‌بینی شده که فردی که قرار است آن را ببیند به قدرت انتخاب او احترام گذاشته شود. این موضوع از جمله تفاوت‌های بارز این سریال با تلویزیون است. تلویزیون سریال‌ها و برنامه‌ها را رأس ساعت خاصی پخش می‌کند، به همین دلیل هم قدرت انتخاب مخاطب کم است اما زمانیکه وارد عرضه رقابت می‌شود، قدرت انتخاب بیشتر و عرضه رقابت نیز بالاتر می‌رود.

شهرزاد قصه را خوب و زود بنا می‌کند و بحران‌ها را به تصویر می‌کشد و از همان ابتدا نیز مخاطب با شخصیت‌ها آشنا می‌شود و برای مخاطب مشخص می‌شود که شخصیت‌ها در مواجهه با حوادث چه واکنش‌هایی دارند که این امر یکی از بهترین شیوه‌ها در سریال‌سازی است.

در شهرزاد، مخاطب در گیر قصه اشخاص است و کارگردان و نویسنده توانستند با المان‌های ظاهری تیپ‌سازی، شخصیت‌ها را برای بیننده از هم متفاوت و مخاطب را با خود همراه کنند که این دستاورد ۳۰ ساله کار حسن فتحی و فعالیت‌های نغمه تمینی بوده است. یکی دیگر از امتیازات مثبت شهرزاد زبان گویشی آن است که مرز باریک بین یک اثر سینمایی و تلویزیونی را به خوبی رعایت کرده است. شاید مجموعه پیرنگ ثابتی داشته باشد اما هر قسمت آن داستان هزار و یک شبی است که برای بیننده ایرانی بسیار جذاب است و جای چنین مجموعه‌ای با چنین خصوصیتی خالی بود. در قیاسی به شدت دور با سریال‌هایی که

فرهاد توحیدی



مهمترین آثار حسن فتحی در قالب سریال‌های تلویزیونی خلق شده است و مهم‌ترین اثر او شهرزاد است که درون مایه آن با عشق همراه شده است به همین دلیل هم آثار او تداوم دارد و مخاطب را به همراه خود می‌کشاند. به نظر من آنچه که در سریال شهرزاد بر روی آن تأکید شده است، پرورش رابطه عاشقانه بین دو شخصیت است. به طور مشخص در فصل اول این مجموعه رویگردانی شهرزاد از فرهاد از روی عشق است زیرا او همچنان فرهاد را دوست دارد و به خاطر اینکه نمی‌خواهد آسیبی به او برسد، رهايش کرد. به جرات می‌توان گفت که حسن فتحی در روایت



است. تردید ندارم اگر در متن فیلم‌نامه شهرزاد، اسامی کاراکترها را هنگام دیالوگ گفتن پاک کنیم، از متن دیالوگ، می‌توان شخصیت را پیدا کرد و این امر هنری بدیل حسن فتیحی است. هر چند شهرزاد، سریالی است تخیلی با ساختار کلاسیک که تلاش می‌کند به بهترین شکل ممکن قصه‌اش را روایت کند ولی با تبحر فیلم‌نامه‌نویس، نقبی هم به مقطع خاص تاریخی می‌زند و به این بهانه بی‌آنکه قصد فیلتر کردن رخدادهای تاریخی را داشته باشد، در لایه‌های زیرین روایت سعی می‌کند همچون منشوری، تابش اصلی رخدادهای تاریخی را جذب کرده، به گستره‌ای از انوار و طیف‌های مؤثر تبدیل کند؛ آنهم به مدد طراحی خطوط فرعی و جذاب روایت که این هم به نگاه دقیق و هوشمندانه حسن فتیحی برمی‌گردد.

نکته مهم دیگر، رنگ آمیزی شخصیت‌های اصلی و فرعی است. معمولاً در درام‌های اینگونه، تعدد شخصیت‌های فرعی سبب‌ساز می‌شود که نویسنده، آن‌ها را به شکل مجزا، فقط به عنوان کار راه‌انداز شخصیت اصلی در خط اصلی درام به کار بگیرد اما در این سریال شاهدیم که تک تک شخصیت‌های فرعی، نه تنها نقشی مؤثر در پیشبرد خط اصلی روایت دارند که تمامی گستره شخصیت‌های فرعی نیز، در کنار هم، یک هم‌افزایی دراماتیک را به نمایش می‌گذارند. یعنی شخصیت‌های فرعی، نه تنها کارکردی تعریف شده در خط روایت اصلی و در برابر شخصیت اصلی دارند که در کنار هم نیز، سازنده‌ی یک فانکشن دراماتیک هستند که تعبیر من برای آن یک صورت فلکی دراماتیک است.

بهتاش صناعی‌ها

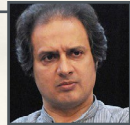
برخی فیلم‌نامه‌ها هدفشان جذب مخاطب عام است و برخی دیگر جذب مخاطب خاص. فیلم‌نامه شهرزاد از ویژگی جذب مخاطب عام برخوردار است. نوشتن فیلم‌نامه‌ای همچون



تلویزیون نشان می‌دهد، می‌توان گفت تلویزیون آثارش را با دیدگاه بیانی می‌کند اما حسن فتیحی به جای اینکه تاریخ را بیان کند، نوعی بازنسازایی جامعه ایرانی را نشان می‌دهد، اینکه تاریخ چه اثراتی در زندگی ایرانی‌ها داشته برای او مهم‌تر است؛ ضمن اینکه فتیحی نگاهش اجتماعی است نه سیاسی.

به جرات می‌توان گفت شهرزاد سطح توقع را بالا برده است و امیدوارم از این پس شاهد مجموعه‌های با کیفیت‌تری باشیم.

سیدسعید رحمانی



در طراحی روایت شهرزاد نکات و ظرافتی وجود دارد که آن را برای مخاطب عام و

خاص، جذاب و متفاوت کرده است. تقریباً تمامی مؤلفه‌های ساختار روایتی شهرزاد، هنرمندانه و خلاقانه طراحی شده‌اند. در این فیلم‌نامه چه در سطح مهندسی ساختار و چه در سطح معماری روایت، شاهد تسلط فنی نویسنده هستیم که نتیجه‌اش سطح زیبایی‌شناسی کم‌نظیری در آن است که مخاطب خاص و عام را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از دیالوگ شروع می‌کنم که اولین سطح برخورد مستقیم اثر است با مخاطب. دیالوگ در این سریال بسیار خوب طراحی شده. نویسنده به جای آنکه دل به دیالوگ‌های قشنگ بسپارد که نتیجه‌اش، یکسانی گویش در کاراکترهای مختلف است، تمام تلاشش را برای دیالوگ‌های مناسب به کار برده و لذا همه‌ی شخصیت‌ها، متکی بر شخصیت‌پردازی منحصر بفرد خود گویش می‌کنند و دیالوگ می‌گویند و این امر، هارمونی جذابی را در دیالوگ‌نویسی شخصیت‌های متعدد سریال سبب شده است. می‌دانیم که در طراحی یک دیالوگ خوب، درست حرف زدن مهم‌تر از خوب حرف زدن است و این نکته‌ای است که در دیالوگ‌نویسی این سریال، کاملاً رعایت شده



مخاطب خاص

سفید دیده بودیم. به عنوان مثال، در یک فیلم یا سریال، قاچاقچی را شخصیت منفی و سیاه می‌دانیم اما وقتی وارد جزئیات زندگی این آدم می‌شویم، متوجه می‌شویم که این آدم محبت و عشق هم دارد و این چیزی است که در زندگی واقعی وجود دارد. این دقت نظر در سریال شهرزاد به ماهرانه‌ترین شکل وجود دارد. شخصیت‌های شهرزاد سیاه و سفید نیستند و وقتی وارد زندگی تک تک آن‌ها می‌شویم به شکل لذت‌بخشی با آن‌ها همراه خواهیم بود.

شهرزاد موفق‌ترین و حرفه‌ای‌ترین سریالی است که در سال‌های گذشته ساخته شده است. چیزی که اغلب در نوشتن حسرت می‌خوریم این است که تلویزیون اجازه نمی‌دهد وقایع را همانطور که اتفاق می‌افتد بیان کنیم. همیشه دوست داشتیم بستری مهیا می‌شد تا درام قابل باورتر باشد مانند چیزی که امروز در سریال شهرزاد می‌بینیم. شهرزاد نشان داد که اگر اجازه داشته باشیم تا درام را کامل تعریف کنیم، حرف‌های بیشتری برای گفتن خواهیم داشت.

این مجموعه برایم بسیار جالب است و همه اخبار آن را دنبال می‌کنم. امیدوارم فصل دوم مانند فصل اول خوب ادامه پیدا کند و با شناختی که از حسن فتحی و نغمه ثمنی دارم، مطمئن هستم که باهوش عمل کردند و فصل دوم یک قدم جلوتر خواهد رفت.

صادق کریمیاری

شهرزاد حسن فتحی از چند منظر قابل بررسی و نقد است. پیرنگ، روایت، شخصیت‌پردازی و ساختار فیلم هر یک به تنهایی قابل بررسی است؛ اما به دلیل مجال اندک تنها از منظر روایت تاریخی به شهرزاد حسن فتحی نگاه می‌کنیم.

از زمان ارسطو مرز روشنی میان متون تاریخی و متون ادبی قائل بودند و این دو روایت را با یکدیگر متفاوت و حتی متباین می‌دانستند. یعنی



مجموعه شهرزاد که هدفش جذب مخاطب عام است، ممکن است به نظر آسان برسد ولی اینطور نیست. این مجموعه از المان‌هایی که باعث جذب مخاطب عام می‌شود به شکل مناسبی استفاده کرده و دلیل استقبال مردم همین موضوع بوده است. المان‌هایی مانند مثلث عشقی، تقدیر، تصادف و غیره. می‌توان گفت در این سریال کارگردان و نویسندگان به خوبی توانسته‌اند نبض مخاطب را بدست آورند و این کار آسانی نیست.

به نظر می‌رسد که مخاطبان شهرزاد از کل مخاطبان همه سریال‌های تلویزیون بیشتر شده است و شهرزاد با این میزان استقبال، باید از رسانه ملی پخش می‌شد تا مردم در اقصی نقاط کشور و بدون پرداخت هزینه بتوانند آن را ببینند. ای کاش در رسانه ملی شرایط و سلیقه‌های وجود داشت که می‌توانست این نوع سریال‌ها را تولید کند.

پیمان عباسی

هیچ موفقیتی در عرصه‌های هنری اتفاقی نیست. زمانیکه در مورد اثری به این میزان



اشتیاق می‌رسیم یعنی در مسیر درستی قدم برداشته‌ایم. فیلمنامه شهرزاد درست و دقیق نوشته شده و به جز اینکه همه عناصر دراماتیک را رعایت کرده است، بافت درست و عاشقانه‌ای نیز دارد. این سریال موفق شده طیف عظیمی از مخاطبان را به سمت خود جلب کند.

کار بسیار سختی است که از بچه مدرسه‌ای تا افراد مذهبی، افراد جوان و مسن، روشنفکر و همه و همه با سریالی ارتباط برقرار کنند و این یعنی شهرزاد از استانداردی که برای یک سریال باید وجود داشته باشد، فراتر رفته است.

نکته دیگری که این سریال را در شخصیت‌پردازی‌ها ویژه کرده، این بود که همیشه شخصیت‌های قصه را به شکل کلیشه‌ای سیاه و



شخصیت‌های اصلی داستان در مواجهه با حوادث داستانی راه‌های برون‌رفت از این سرخورگی را نیز پیدا کند.

از این زاویه فتحی را می‌توان در ردیف فیلمسازان صاحب تفکر، تحلیل و جهان‌بینی گفتمانی جای داد که علاوه بر تسلط و اشراف بر احساس و شیوه‌های هنری برانگیختن حس عاطفی مخاطب، توانسته بر اندیشه و نگرش مخاطب نسبت به خویش و جامعه خود، تأثیر اصلاح‌گرانه بگذارد.

حسین مهکام



حسن فتحی و نغمه ثمینی از استادان و نویسندگان مطرحی هستند که برای ما

سمت استادی دارند. نغمه ثمینی بیشتر به اساطیر و حسن فتحی به مبانی روانشناسی علاقه دارند به همین دلیل هم فتحی به گذشته شخصیت‌ها در آثارش توجه دارد و به لایه‌های درونی آن‌ها نیز می‌پردازد. شیوه روایت و شکل کلاسیک بهترین شیوه روایت است که در سریال شهرداد شاهد آن هستیم و متن بسیار جذابی دارد.

سریال شهرداد به درستی از به دام افتادن در موضوع قهرمان و ضد قهرمان فرار کرده است تا آنجا که شخصیت‌های فرهاد و قباد هر دو دوست‌داشتنی هستند و علت این است که به درستی شخصیت‌پردازی شده‌اند که اگر غیر از این بود، مخاطب از شخصیت قباد خوشش نمی‌آمد. ممکن است فرهاد در مسیر بهتری قرار گرفته باشد اما شخصیت و نقش قباد هم خوب است و شهاب حسینی آنقدر بازی خوبی ارائه داده است که دیگر قهرمان و ضدقهرمان مطرح نمی‌شود؛ همانطور که در فصل اول این سریال حتی بزرگ آقا را با اینکه هم دسیسه و هم محبت دارد، همه دوست دارند.

به نظرم شهرداد اثر ماندگاری است و طبیعی است متنی که نغمه ثمینی و حسن فتحی نوشته باشند، برای مخاطب بسیار جذاب بوده است.

راوی تاریخ رویدادها را همانگونه که رخ داده بود روایت می‌کند و نویسنده متون ادبی و هنری رویدادها را آنگونه که می‌توانست رخ داده باشد، روایت می‌کند.

از این منظر می‌توان شهرداد را یک روایت رئالیستی با نگاه ارسطویی به تاریخ ارزیابی کرد. داستان شهرداد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ آغاز می‌شود. بنابراین یک مقطع تاریخی مشخص از پیشینه کشور را روایت می‌کند اما شیوه روایت فتحی نه فقط وقایعی است که دقیقاً در آن مقطع تاریخی اتفاق افتاده است، بلکه روایتی است که می‌توانست در آن مقطع اتفاق بیفتد. تفاوت این دو روایت در نوع نگاه فتحی به آن مقطع تاریخی و تحلیل او از رخ‌دادهای یاس‌آلود آن سال‌ها قابل ارزیابی است.

اما اگر تحلیل و ارزیابی فتحی از رخ‌دادهای آن مقطع تاریخی را حاصل گفتمان جدید و امروزی درباره‌ی تاریخ بدانیم، می‌توانیم به لحاظ شیوه روایت تاریخ، نشانه‌هایی از روایت پست مدرن از تاریخ را در اثر فتحی ببینیم چرا که هیچ تاریخ‌نگاری نمی‌تواند مدعی شود که روایت فتحی از کودتای ۲۸ مرداد نادرست است. در عین حال هیچ تاریخ‌نگاری نیز نمی‌تواند مهر تایید بر شیوه روایت تاریخی او حک کند. از این منظر فتحی روایت منحصر به فرد خود را از تاریخ معاصر ایران در قالب یک اثر هنری شش دانگ و ماندگار خلق کرده است که با همه روایت‌های گذشته متفاوت است.

پاره‌ای از منتقدان بر این باورند که اثر هنری تاریخی اگر کار کرد امروزی نداشته باشد، ماندگار نخواهد شد و با مخاطب ارتباط برقرار نخواهد کرد. اگر این دیدگاه را بپذیریم باید به این نکته اعتراف کنیم که مخاطب فراوان شهرداد نشانگر هم‌خوانی شرایط کنونی با شرایط دوره تاریخی شهرداد است که به دلیل ارتباط روحی و ماهوی با آن مقطع تاریخی، توانسته دلایل یاس حاکم بر روح جامعه خویش را از لابه‌لای رویدادهای داستان شهرداد و از لایه‌های درونی شخصیت‌های آن درک کند و به شیوه‌های غلبه بر سرخوردگی خود بیندیشد و گاه از کنش‌ها و واکنش‌های



محسن چاوشی یک چریک

خبرنگاران موسیقی از «شهرزاد» گفتند:

است!



نرانه . اهنگ و تنظیم محسن چاوشی
تیتراژ سریال "شهرزاد"

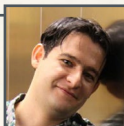


به روال
مرسوم
هفته نامه
مجازی
شهرزاد، بخشی
از هر شماره به نظرات
اهالی رسانه اختصاص دارد.

در شماره چهارم، خبرنگاران موسیقی

نظرات خود را درباره موسیقی های سریال شهرزاد و همکاری محسن چاوشی با این مجموعه بیان کردند:

بهمن بابازاده (موسیقی ما)



دیگر در یک قطعیت محض به انتها برسند و یک پایان باشکوه را رقم بزنند. برای تفسیر بهتر مفهوم «چریک» شما را ارجاع می دهم به «هفت» فیلم استثنایی دیوید فینچر که یکی از شوک آورترین، برهم زننده ترین و شاخص ترین پیچیدگی های داستانی را در سینما

بیائید درباره مفهوم انتزاعی چریک گپ بزنیم؛ چریک ها عادت دارند یک تنه به قلب خطر بروند و با به خاک و خون کشیدن همه موقعیت ها، سکانس آخر را جوروی بازی می کنند که آن تعلیق ها و ابهام ها

باعث و بانی بازگشت این اعتماد از دست رفته بوده است. حالا چند هفته‌ای است که پخش فصل دوم «شهرزاد» آغاز شده تا دوباره همان دوشنبه‌های دوست‌داشتنی را برای مخاطبانش رقم بزند. «شهرزاد»ی که تقابل عشق و استبداد است و درجه‌های جدید به روی مخاطبش می‌گشاید به سوی تاریخ معاصر، شعر، اندیشه و عشق. حالا این فضا با موسیقی محسن چاوشی خوش فکر هم همراه شده است که با پی‌های سریال پیش می‌رود و حتی یک جاهایی از آن جلو می‌زند. چاوشی با ترانه‌هایی به حال و هوای «شهرزاد» وارد شده که آن قدر قدرت دارند تا مخاطب را به سمت و سوی یک عاشقانه متفاوت هدایت کنند. روندی که با قطعه «کجایی» آغاز شد و حالا در فصل دوم به ترانه «دریغا» ختم شده است.

چاوشی در قالب سریال «شهرزاد» عاشقانه‌ای پر درد و رنج را روایت می‌کند که لبریز از احساسات ناب است.

مردن رقم زد و کاراگاه «میلز» (با بازی برد پیت) با آن سکانس پایانی شاهکار، چریک و قهرمان افسانه‌ای دیوید فینچر شد.

این یادداشت قرار است درباره نقش موسیقی و محسن چاوشی در موفقیت‌های «شهرزاد» باشد و همه این مقدمه‌ها پهنه‌ای بود تا برسیم به اصل موضوع. «شهرزاد» در ابتدای مسیر با علیرضا قربانی راهش را آغاز کرد و چیزی نمانده بود که در همان ابتدای مسیر کلکش کنده شود و آن همه سرمایه و وقت و انرژی باد هوا شود. حضور محسن چاوشی و مگ‌هایت «کجایی» به یک‌باره «شهرزاد» را به خبر اول همه رسانه‌ها، دغدغه بزرگ قشر عموم و تیفوسی‌های همه فن حریف چاوشی تبدیل کرد. ویدئوی خوش ساخت «کجایی» و بهره‌گیری از عناصر حسی در این ویدئو، سرعت و قدرت انفجار «کجایی» را بیشتر و بیشتر کرد تا کشته مرده‌های «شهرزاد» و چاوشی زودتر به خاک و خون کشیده شوند و شهرزاد و شهرزادی‌ها دیگر آن بالا بالاها باشند.

این شانس را داشته‌ام که چندباری با محسن چاوشی بنشینم و آثارش را قبل از انتشار بشنوم و درباره آن‌ها حرف بزنیم. دقایق طولانی گپ زده‌ایم و من عمدتاً گوش می‌کنم و سعی در کشف کاراکتر درونی چاوشی دارم. یک تلاش واضح در «بهترین بودن مطلق» در ذات چاوشی هست و همین باعث می‌شود در انتخاب‌ها و آثارش بیشتر از مرحله تولید، پروسه تفکر درباره آن اثر جریان داشته باشد.

«شهرزاد» دین بزرگی بر گردن چاوشی دارد و این چریک کاربلد حالا با سطح توقعات بالاتری از سوی جامعه عمومی روبه‌رو است؛ سطح توقعاتی که کار چاوشی را برای سری دوم این سریال سخت‌تر کرده است.

باسر یگانه (تسنیم)



شهرزاد پیوندی است میان سنت و مدرنیته. پیوندی میان گذشته و امروز. داستانی که ماجرایش از آن گذشته است اما گویی همین امروز هم در همین حوالی در حال رخ دادن است. «شهرزاد» پلی است میان گذشته و حال؛ گذشته را در حال و حال را در گذشته روایت می‌کند.

گویی «شهرزاد» در اساس برای پیوند شکل گرفته است. پیوندی دیگر که در این سریال جاری است، پیوند میان موسیقی پاپ و موسیقی ایرانی.

چاوشی پاپ می‌خواند و نمادی از محبوبیت در میان عامه‌ی مردم است. صدایی خُش‌دار که در دل هر شنونده‌ای می‌نشیند. در کنار او «سرلک» آواز می‌خواند؛ آن هم ایرانی ایرانی. هر قطعه‌ای که برای «شهرزاد» تولید می‌شود یک پیوند میان پاپ و موسیقی ایرانی ایجاد می‌کند.

گویی جریان تازه‌ای در موسیقی شکل گرفته که برای خودش بَرنَدی ماندگار است؛ چاوشی و سرلک پاپ و آواز.

سهیلا صدیقی (وقایع اتفاقیه)



چه خوب که اعتماد سلب شده مردم به نمایش خانگی دوباره جلب شده و چه خوب‌تر که «شهرزاد»



قاب آینده

قسمت پنجم



بلیس (رونا نونالی) و ثریا (آنده قنیه نسیمی)



شهرزاد (زاده علی دوستی)



اکرم گلاره عیسی (اکرم لو کشیش داده گاه)



مهران مدیری
MEHRAN MODIRI

نگین معتمدی
NEGIN MOTAZEDI

رسول نجفیان
RASOUL NAJAFIAN

آزاده صمدی
AZADEH SAMADI

امیرجعفری
AMIR JAFARI

سیامک انصاری
SIAMAK ANSARI



تقديم می کند

ساعت عصر

5pm

فیلمی از: مهران مدیری

A FILM BY MEHRAN MODIRI





تصویر گستر پاسارگاد
Tasvir Gostar Pasargad Co.

Lotus
PLAY
LotusPlay.ir



فصل دوم
شهرزاد

عرضه قسمت پنجم: دوشنبه ۲ مرداد ماه

www.shahrzadseries.com